

آشنایی با تفکر انتقادی و چپستی آن
توجه به مغالطه در اثر عوامل روانی
جمع بندی درس منطق و بازگشت به هدف
منطق که جلوگیری از مغالطات است

آشنایی با تفکر انتقادی
آشنایی با چند مغالطه در اثر عوامل
روانی
مغالطه مسموم کردن چاه
مغالطه تله گذاری
مغالطه توسل به احساسات
مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی

سنجشگری در تفکر

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه
سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

۱- منظور از تفکر نقادانه یا سنجشگرانه چیست؟

تفکر نقادانه

۱) (تفکر نقادانه یا سنجشگرانه، فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن دربارهٔ نحوهٔ صحیح تفکر

است؛ یعنی همان اصول و قواعدی که در درس منطق آموخته‌اید. تاکنون با نکات مختلفی دربارهٔ تفکر صحیح آشنا شده‌اید؛ اما باید توجه داشت که پرورش مهارت‌های تفکر صحیح و

ارزیابی استدلال‌ها همچون اکثر فعالیت‌های انسانی نیازمند تمرین و تکرار است.

نکته

۲) (تفاوت مهم میان متفکر نقاد و غیرنقاد، جدی گرفتن فرایند تفکر و توجه آگاهانه به آن و

پرسیدن سؤالات درست و به‌جاست. چنین متفکری هنگام شنیدن یک مطلب یا تصمیم‌گیری

دربارهٔ آن، آن را از وجوه مختلفی بررسی می‌کند.) ۲

۲- چه تفاوت مهمی میان متفکر نقاد و غیرنقاد وجود دارد؟

* سؤالات اصلی در تفکر نقادانه ۲

آیا معنای همهٔ مفاهیم و قضایای ذکر شده واضح است؟
آیا اشتراک لفظ، ابهام در عبارات و توسل به معنای ظاهری وجود ندارد؟
اگر بار ارزشی کلمات^۲ را حذف کنیم، مقصود اصلی گوینده چیست؟

وضوح مفاهیم و جملات

نتیجهٔ اصلی مورد نظر گوینده چیست؟
با حذف تأثیرات روانی مطالب حاشیه‌های، دلایل اصلی وی کدام است؟
چگونه می‌توان استدلال وی را به صورت منطقی بازسازی کرد؟

تشخیص مقدمات و نتیجه

۱- در درس مهارت‌های تصمیم‌گیری در کتاب تفکر و سبک زندگی پایهٔ هشتم با روش تصمیم‌گیری منطقی آشنا شدید.
۲- این سؤالات را در تفکر انتقادی، سؤالات سقراطی می‌نامند. با سقراط و اندیشه‌های وی در درس فلسفهٔ سال آینده آشنا می‌شوید.
۳- در ادامه با بحث بار ارزشی کلمات آشنا می‌شوید.

<p>گوینده چه مقدماتی را ذکر نکرده است؟ گوینده چه پیش فرض‌هایی^۱ داشته است؟ لوازم منطقی^۲ پذیرش نتیجه این بحث چیست؟</p>	<p>تشخیص پیش فرض‌ها و لوازم</p>
<p>آیا مقدمات ذکر شده از نظر محتوا صحیح‌اند؟ آیا برای مقدمات استدلال، منابعی که قابل اعتبارسنجی باشند معرفی شده است؟ آیا استدلال ذکر شده از نظر قواعد منطقی معتبر است؟</p>	<p>صحت منابع و استدلال</p>

تمرین 

۱- در تبلیغ برخی از فیلم‌ها می‌نویسند: «برندهٔ سیمرغ بلورین از جشنوارهٔ فیلم فجر». آیا از خود پرسیده‌اید که این فیلم از چه جهت برنده شده است؟ مثلاً اگر صرفاً صدابرداری آن برندهٔ سیمرغ بلورین شده باشد؛ اما فیلم‌نامه و کارگردانی آن بد باشد چه؟! در این باره با دوستان خود بحث کنید. **پاسخ بالای صفحه**

۲- عبارت «رکورد فروش فیلم در تاریخ سینمای ایران شکسته شد»، بر چه اساس بیان شده است؟ آیا رکورد فروش از نظر قیمت شکسته شده است یا از نظر تعداد بلیط؟ آیا نرخ تورم و افزایش جمعیت و تعداد سالن‌های سینما را در محاسبه در نظر گرفته‌اند؟! در این زمینه با دوستان خود بحث کنید. **پاسخ بالای صفحه**

*** ویژگی‌های فرد منطقی**

ویژگی‌های فرد منطقی	ویژگی‌های مخالف
تواضع عقلانی و صداقت	خود محوری
استقلال عقلی	تقلید در حیطه‌هایی که خداوند ما را از تقلید کردن در آنها نهی کرده است.
شهامت عقلی	ترس از واقعیت و سعی در انکار آن
دقت منطقی	دچار خطای در تعریف یا استدلال شدن
پرهیز از پیش داوری	داشتن قضاوت عجولانه
عدالت و انصاف	تعصب بیجا و نگاه یک جانبه داشتن

- ۱- مراد از پیش فرض‌ها، مبانی فکری‌ای است که معمولاً به آنها تصریح نمی‌شود، اما نتایج اعتقاد به آنها در سخنان و استدلال‌های افراد قابل مشاهده است.
- ۲- به کلیهٔ نتایج منطقی‌ای که به صورت ضمنی از یک استدلال به دست می‌آید لوازم منطقی آن می‌گویند.

* بازسازی استدلال‌های زبان طبیعی

معمولاً استدلال‌هایی که در زندگی می‌شنویم و بیان می‌کنیم، به روشنی و وضوح آنچه خوانده‌اید، نیستند. به عنوان مثال گاهی برخی از مقدمه‌ها و نتایج در لابه‌لای مطالب دیگر پنهان شده‌اند یا به دلیل واضح بودن، بیان نشده‌اند. بدین جهت لازم است آنها را به صورت استاندارد^۱ بازسازی کرد تا بتوان به درستی آنها را بررسی کرد.

از آنجا که مقدمات و نتیجه یک استدلال از قضایا تشکیل شده‌اند، لذا لازم است نکاتی را که درباره قضایا در زبان طبیعی^۲ در درس‌های گذشته بیان شد نیز به خاطر داشته باشید. در اینجا به ذکر شش نکته در بازسازی استدلال‌های زبان طبیعی می‌پردازیم:

۱- گاهی در زبان طبیعی از افعال ربطی (اسنادی) در قضایا استفاده نمی‌شود که باید آنها را به فعل ربطی تبدیل کنیم تا محمول قضیه به درستی مشخص شود.^۳

۲- گاهی در زبان طبیعی سور جمله بیان نمی‌شود یا از سورهای غیراستاندارد استفاده می‌شود که لازم است آن را به یکی از قضایای محصوره تبدیل کنیم.^۴

۳- گاهی در زبان طبیعی جای مقدم و تالی قضیه شرطی تغییر می‌کند.^۵

۴- گاهی در مواردی که موضوع قضیه اموری مانند: انسان، فرد، شیء و ... باشند که شنونده از آن اطلاع دارد، موضوع قضیه ذکر نمی‌شود. مانند:

■ همه در امتحان قبول شدند. ⇨ همه دانش‌آموزان در امتحان قبول شدند.

■ همه از زمین‌لرزه می‌ترسند. ⇨ همه انسان‌ها از زمین‌لرزه می‌ترسند.

۵- معمولاً در استدلال‌هایی که در زندگی روزمره به کار می‌بریم، برخی از مقدمات و گاهی نتیجه را به صراحت بیان نمی‌کنیم؛ زیرا مخاطب از آنها اطلاع دارد. تشخیص موارد محذوف و بازسازی آنها برای تشخیص نوع استدلال و بررسی اعتبار آن اهمیت زیادی دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف) سعید دانشجو است؛ پس دیپلم خود را گرفته است.

۱- استدلال استاندارد استدلالی است که از دو مقدمه و یک نتیجه تشکیل شده باشد.

۲- زبان غیر علمی که در زندگی روزمره از آن استفاده می‌کنیم.

۳- به درس ششم مراجعه نمایید.

۴- به درس ششم مراجعه نمایید.

۵- به درس نهم مراجعه نمایید.

۶- چنین قیاسی را قیاس مُضَمَّر می‌نامند.

شکل کامل استدلال به صورت زیر است:

(به صورت استثنایی)

اگر سعید دانشجو باشد، دیپلم خود را گرفته است.
سعید دانشجو است.

∴ سعید دیپلم خود را گرفته است.

(به صورت اقتزانی)

سعید دانشجو است.
هر دانشجویی دیپلم خود را گرفته است.

∴ سعید دیپلم خود را گرفته است.

ب) برای شرکت در کلاس تا دیروز فرصت ثبت نام داشتیم؛ ولی ما موفق به ثبت نام نشدیم!
نتیجه محذوف:

۶- گاهی در زبان روزمره مقدمات و نتیجه را به ترتیب ذکر نمی‌کنیم؛ مثلاً ابتدا نتیجه را می‌گوییم؛ سپس مقدمات استدلال را بیان می‌کنیم. مانند:

- سرانجام تیم محبوب ما صدرنشین شد، چون در بازی امروز پیروز شد.
- باید تمام تلاش را بکنی؛ چون اگر این محصول تا یک ماه دیگر به بازار نرود، ورشکست می‌شویم.

برای بازسازی شکل کامل استدلال، علاوه بر توجه به محتوای آن، می‌توان به نشانه‌های زیر در جملات توجه کرد. با کمک دوستان خود جدول زیر را کامل کنید:

نشانه‌های مقدمات	نشانه‌های نتیجه
چون	پس
زیرا	بنابراین
برای اینکه	در نتیجه
از آنجا که	در این صورت
.....
.....
.....

۱- کاربردهای استدلال را نام ببرید؟ ۱- دستیابی به حقیقت ۲- اقناع دیگران ۳- غلبه بر دیگران

۲- به کدام استدلال ها برهان می گویند؟

۳- در گذشته کدام استدلال ها را در فن خطابه بررسی می کردند؟

درس یازدهم / تفکر نقادانه

کاربردهای استدلال

تاکنون با اقسام مختلف استدلال آشنا شدید. استدلال ها را می توان برای اهداف متفاوتی به کار برد. به مثال های زیر توجه کنید:

- هدف دین هدایت انسان ها و نشان دادن راه سعادت حقیقی به آنهاست.
- هدف فروشندهگان آن است که شما را قانع کنند که از آنها خرید کنید. به این تبلیغ توجه کنید: «خرید از فروشگاه بزرگ ما، هم در وقت و هم در هزینه های شما صرفه جویی می کند. ما همه نوع کالایی را عرضه می کنیم و ده درصد تخفیف می دهیم».
- هدف نامزدهای انتخابات آن است که یکدیگر را شکست دهند و در مناظره پیروز شوند.

بدین جهت بر اساس اهداف متفاوتی که در زندگی داریم، از انواع مختلف استدلال استفاده می کنیم. سه مورد از این اهداف عبارت اند از:

۱- دستیابی به حقیقت (در علمی مانند فلسفه، ریاضیات و معارف دینی در پی فهم

حقایق هستیم. به استدلال هایی که در این علوم به کار می روند، «برهان» می گویند.) ۲

۲- اقناع دیگران: گاهی در زندگی در پی قانع کردن دیگران هستیم. به عنوان مثال در

یک سخنرانی تبلیغاتی، سخنران به دنبال قانع کردن افراد برای انجام دادن عملی یا پذیرش

مطلبی است. در گذشته چنین استدلال هایی را در فن «خطابه» بررسی می کردند) اما امروزه

رسیدن به چنین هدفی، علاوه بر خطابه، شامل تمامی روش های اقناعی می شود که برخی از

آنها در تبلیغات نیز به کار می روند. (در فن بیان به سخنرانان آموزش داده می شود که چگونه

با برقراری تماس چشمی با شنوندگان، روان و شیوا سخن گفتن و استفاده مناسب از زبان

بدن، تأثیر کلامی قوی تر و زبانی اثرگذارتر داشته باشند.) ۴

۳- غلبه بر دیگران: گاهی در بحث با دیگران تنها در پی غلبه بر آنها هستیم. به عنوان

مثال در جریان یک مناظره تلویزیونی، طرفین در پی اقناع یکدیگر نیستند؛ بلکه هدف آنها

شکست دادن طرف مقابل است. بدین جهت هدف آنها بیان استدلال هایی است که در مقابل

آنها، طرف مقابل حرفی برای گفتن نداشته باشد و مجبور به پذیرش نتایج آنها و یا اعتراف

به شکست شود. بدین ترتیب کسانی که شاهد این مناظره هستند، به فرد پیروز گرایش پیدا

۱- در درس هفتم از کتاب تفکر و سواد رسانه ای با عنوان «فنون اقناع» با برخی از این روش ها آشنا شده اید.

۴- در فن بیان به سخنرانان چه نکاتی آموزش داده می شود؟

۵- در گذشته کدام استدلال ها را در فن جدل بررسی می کردند؟

می‌کنند. در گذشته این گونه استدلال‌ها را در فن «جدل» بررسی می‌کردند.^۵ در کتاب‌های منطق، فنونی برای جدل ذکر می‌کنند. به عنوان مثال (بهتر است در جدل به گونه‌ای مقدمات خود را مطرح کنیم که طرف مقابل نتواند نتیجه مورد نظر ما را زودتر حدس بزند؛ و ناگهان با طرح نتیجه مورد نظرمان وی را غافلگیر کنیم. همچنین بهتر است مرحله به مرحله از وی نسبت به پذیرش سخنانمان اعتراف بگیریم تا نتواند سخنان خود را تغییر دهد.)^۱

* مواد قیاس و صنعت‌های پنج‌گانه (صناعات خمس)

در درس نخست بیان شد که به کمک استدلال از تصدیق‌های معلوم به تصدیق مجهول دست می‌یابیم؛ اما به چه روش‌هایی تصدیق‌های معلوم را به دست می‌آوریم؟ به مثال‌های زیر توجه کنید:

■ هنگامی که می‌گوییم «اگر با قاشق فلزی غذا را هم بزنی، دستت می‌سوزد»، از تجربه استفاده کرده‌ایم. این‌گونه قضایا را تجربیات می‌نامند.

■ «اجتماع نقیضین محال است»؛ امری بدیهی است که با فهمیدن معنای نقیض، آن را به نحو عقلانی دریافته‌ایم. این‌گونه قضایا را اولیات می‌نامند.

■ «جزیره ایرانی ابوموسی در خلیج فارس قرار دارد» را از طریق اخبار و اسناد متواتر دریافته‌ایم. این‌گونه قضایا را متواترات می‌نامند.

در منطق انواع روش‌های دستیابی به تصدیق‌ها و قضایا را دسته‌بندی کرده‌اند و آنها را تحت مبحث «مواد قیاس» مطرح نموده‌اند. بسته به کاربردها و اهداف متفاوتی که از استدلال داریم، از مواد مختلفی استفاده می‌کنیم. به عنوان مثال در برهان از مواد یقینی مانند: تجربیات، اولیات و متواترات استفاده می‌کنیم.

برهان، جدل و خطابه به همراه شعر و مغالطه در گذشته فنون پنج‌گانه‌ای را تشکیل می‌دادند که در اصطلاح «صناعات خمس» نامیده می‌شدند. ارغنون^۱ ارسطو در ابتدا فاقد مبحث شعر و خطابه بود و این دو مبحث بعدها توسط شارحان وی به کتاب منطق ارسطو افزوده شد. از آنجا که مقابله با فنون مغالطه از اهداف اصلی منطق است، فن مغالطه نیز به صورت مستقل در صناعات خمس مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- نام کتاب ارسطو در علم منطق

بار ارزشی کلمات در جملات



حکایت زیر را بخوانید و بگویید چه تفاوتی میان سخنان دو خواب‌گزار وجود دارد.

پادشاهی در خواب دید که همه دندان‌هایش به‌جز یکی از آنها افتاده است. خواب‌گزاری، آن را این‌گونه تعبیر کرد که پادشاه داغدار همه عزیزانش خواهد شد؛ زیرا همگی پیش از وی خواهند مرد. پادشاه به خشم آمد و دستور داد تا وی را تازیانه

بزنند. خواب‌گزاری دیگر گفت که پادشاه عمری طولانی خواهد داشت و بیش از سایر نزدیکانش زندگی خواهد کرد. پادشاه از این تعبیر شادمان شد و به وی پاداش داد.

آیا پیام دو خواب‌گزار متفاوت بود؟
نحوه بیان آنها چه تفاوتی باهم داشت؟
کلمات و الفاظی که در زندگی به کار می‌بریم، دارای بارهای ارزشی متفاوتی هستند. به الفاظ زیر توجه کنید:

مردن، فوت شدن، سر به نیست شدن، مرحوم شدن، به آن دنیا رفتن، به رحمت خدا رفتن، کشته شدن، اعدام شدن، رحلت کردن، بالای دار رفتن، به هلاکت رسیدن، در قید حیات نبودن، تیرباران شدن، به درک واصل شدن، رخت از این سرای برستن، به لقاء الله واصل شدن، به قتل رسیدن، سَقَط شدن، پیش خدارفتن، عمرش را به شما دادن، خفه شدن، ترور شدن، به ملکوت اعلی پیوستن، سر خود را بر باد دادن، شهید شدن، به پایان عمر خود رسیدن، دار فانی را وداع کردن، به سرای باقی شتافتن، غرق شدن.

آیا این کلمات پیام واحدی را منتقل می کنند؟

کلمات در جملات مختلفی که در آنها به کار می روند، بار ارزشی متفاوتی پیدا می کنند.

نکته

از میان کلمات فوق، سه مورد با بارهای ارزشی مثبت، منفی و خنثی را مشخص کنید و بگویید پیام ضمنی ای که این کلمات به شنونده منتقل می کنند، چیست؟ برای تأیید نظر خود، هر کلمه را در یک جمله به کار ببرید تا بار ارزشی آن مشخص شود.

بار ارزشی مثبت: **محمد شهید شد و به ملکوت اعلی پیوست**

بار ارزشی منفی: **فلانی که انسان ظالمی بود به درک واصل شد**

بار ارزشی خنثی: **در تصادف امروز سه نفر از سرنشینان مردند**

۱ (به کاربردن اشتباهی یا عمدی کلماتی که دارای بار ارزشی متفاوتی هستند، می تواند

منشأ خطای اندیشه باشد که آن را مغالطه «بار ارزشی کلمات» می نامند.) بدین جهت باید

متوجه بار ارزشی کلماتی که می شنویم، باشیم و سعی کنیم تا پیام اصلی متن را ارزیابی

کنیم. به عنوان مثال سه عبارت زیر تنها یک پیام را منتقل می کنند؛ اما در آنها از کلماتی

با بار ارزشی متفاوت استفاده شده است:

▪ من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم.

▪ شما نسبت به پیش فرض های خود لجاجت و تعصب می ورزید.

▪ او در موضع گیری های خود یک دنده و کله شق است.

مغالطه در اثر عوامل روانی^۱

به تبلیغ زیر توجه کنید:

قبولی در دانشگاه در رشته های خاص

بدون کنکور

جهت ثبت نام با ما تماس بگیرید

۱- چنین تأثیراتی را مغالطات عَرَضی با اجزای بیرونی مغالطه می نامند.

ممکن است چه مغالطه‌ای در این پیام وجود داشته باشد؟

فرد تنها پس از مراجعه حضوری یا پرداخت مبلغی متوجه ترفند این نوع از تبلیغات می‌شود؛ مثلاً متوجه می‌شود که مراد آنها برخی از رشته‌ها و دانشگاه‌های غیرانتفاعی خاص است که پس از یک نیم‌سال تحصیل و شرکت در آزمون‌هایی شبیه کنکور اقدام به پذیرش دانشجو می‌کنند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، ادعای این تبلیغ از نظر قواعدی که تاکنون آموخته‌اید، صحیح است؛ اما، نوعی فریب‌کاری و مغالطه در آن وجود دارد. اکنون به سؤالات زیر توجه کنید و با کمک دوستان خود به آنها پاسخ دهید:

■ آیا در نظر مردم نحوه لباس پوشیدن یک پزشک و میزان دارویی که تجویز می‌کند، در میزان حاذق بودن وی تأثیر دارد؟

■ هنگامی که خریدار در خرید کالایی مردد است، فروشنده مدعی می‌شود که اتفاقاً خود وی یا بستگانش نیز در منزل از همان کالا استفاده می‌کنند، چه تأثیری در انتخاب مشتری دارد؟

■ پارچه‌فروش‌ها با اشاره مشتری به یک پارچه، فوراً چند دور طاقه پارچه را باز می‌کنند؛ آیا این کار به نوعی مشتری را برای خرید تحت فشار قرار می‌دهد؟

اینها نمونه‌هایی از تأثیرات روانی بر ذهن انسان‌اند. (متأسفانه بسیاری از انسان‌ها بیشتر تحت تأثیر عوامل روانی همچون تملق، ترس، تطمیع و مانند آن قرار می‌گیرند تا تحت تأثیر استدلال! بدین جهت لازم است به تأثیر عوامل روانی بر ذهن انسان و خطاهایی که ممکن است تحت تأثیر این عوامل پدید بیایند، توجه کنیم.)^۱

کلمات، دارای بار روانی‌اند و قدرت تأثیرگذاری متفاوتی دارند. با تأثیر نیروی روانی کلمات در مبحث «بار ارزشی کلمات» آشنا شدید، اکنون باید توجه داشته باشید که نسبت گوینده با ما نیز در پذیرش یک نظر مؤثر است. به‌عنوان مثال سخنان خویشاوندان و دوستان صمیمی، از نظر روانی تأثیر بیشتری بر ما دارند.

در طول زندگی جملات مختلف در زرق و برق‌های احساسی و روانی پیچیده و سپس به ما عرضه می‌شوند. انسان اندیشمند باید بتواند مطلب اصلی را از لابه‌لای این امور فرعی بیرون

نکته

۱- چرا لازم است به تأثیر عوامل روانی بر ذهن انسان توجه کنیم؟

بکشند و به دور از احساسات، درباره آن قضاوت کند. تأثیر امور روانی به حدی است که در مواردی برای مطالب غلط دلیل تراشی می‌کنیم. اکنون به چند مورد از شیوه‌هایی که از نظر روانی قصد تأثیرگذاری غلط بر انسان را دارند توجه کنید^۱:

سوال ۱- مغالطه مسموم کردن چاه را تعریف کنید؟ مثال بزنید

احتمالاً داستان معروف لباس پادشاه را شنیده‌اید. خیاط فریب‌کار پادشاه ادعا کرده بود که پارچه لباس از نخی بافته شده است که افراد نادان، نمی‌توانند آن را ببینند؛ در حالی که اصلاً لباسی ندرخته بود. بدین جهت مردم از ترس متهم شدن به نادانی جرئت نداشتند که بگویند پادشاه اصلاً لباسی بر تن ندارد!

این نمونه‌ای از روشی است که آن را «مسموم کردن چاه» می‌نامند. (در این روش فرد مغالطه‌گر بدون ذکر دلیل، تنها ویژگی‌های ناشایست و نامناسبی را به یک نظریه یا پیروان آن نسبت

می‌دهد تا کسی جرئت نکند به آن

نظر توجه کند یا آن را بپذیرد.) ۱

به مثال‌های زیر توجه کنید:

▪ شخصی بدون آنکه

استدلال معتبری ارائه کند،

می‌گوید: تنها یک ترسو

می‌تواند به این نظر معتقد باشد!

▪ شخصی تحت تأثیر

چشم‌و هم‌چشمی‌های غلط

در جامعه می‌گوید: باید هر

جور شده هدیه گران‌قیمتی تهیه

کنیم؛ وگرنه آبرویمان می‌رود!



مثال ۱

مثال ۲

۱- در صورتی که گوینده، نخست دلایل منطقی سخن خود را بیان کند و سپس از عوامل روانی جهت اقناع شنوندگان استفاده نماید دچار مغالطه نشده است. موارد مطرح شده در این بخش، همگی در فرض ارائه نکردن دلیل مطرح شده‌اند.

۲- مغالطه تله گذاری را با ذکر مثال تعریف کنید؟

۲) (در این روش برخلاف مغالطه مسموم کردن چاه، ویژگی‌های خوب و شایسته‌ای را به نظریه‌ای باطل یا معتقدان به آن نسبت می‌دهند و برای افراد تله می‌گذارند تا به سمت پذیرش آن گرایش پیدا کنند. در اصطلاح عامیانه به این روش «هندوانه زیر بغل کسی گذاشتن» می‌گویند. مانند: **شخصی بدون ذکر دلایل کارآمد بودن طرح خود می‌گوید: هرکس درک عمیقی داشته باشد، تأیید می‌کند که طرح من بسیار کارآمد است.**) ۲



۳- مغالطه توسل به احساسات

موارد زیر از چه طریقی قصد تأثیرگذاری بر مخاطب را دارند؟

- تصور کنید فردی سودجو که وضع مالی خوبی دارد، با لباسی مندرس به شما می‌گوید: چند روز است چیزی نخورده‌ام؛ دختر دم بخت دارم؛ لطفاً به من کمک کنید!
- کلاهبرداری بدون داشتن مجوز، مدعی داشتن مؤسسه‌ای خیریه می‌شود و به شما می‌گوید: آیا محله شما در مانگه شبانه‌روزی دارد؟ چند روز پیش همسایه ما دچار حمله قلبی شد و چون در محله ما در مانگه شبانه‌روزی نبود، از دست رفت! آیا می‌خواهید به مؤسسه خیریه ما برای تأسیس در مانگه شبانه‌روزی کمک مالی کنید؟

۳) (عواطف و احساسات نقش مهمی در زندگی ما دارند. بدین جهت احساسات ما می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های غلط و خطاهای ذهن ما نیز تأثیر داشته باشند. به عنوان مثال هنگامی که

۳- آیا عواطف و احساسات نقش مهمی در زندگی ما دارند؟ توضیح دهید

به خشم می‌آییم یا می‌ترسیم، خوب فکر نمی‌کنیم. باید مراقب باشیم که هنگام بررسی یک نظر، احساسی عمل نکنیم و تا آنجا که می‌توانیم عقلانی و منطقی بیندیشیم (در صورتی که بدون ذکر دلایل معتبر از احساسات افراد سوء استفاده شود، آن را «مغالطه توسل به احساسات» می‌نامند. به موارد زیر توجه کنید:

مثال

- ۱. کلاهبرداران اکثراً از راه ایجاد طمع در افراد آنها را فریب می‌دهند.
- ۲. طرح اسلام هراسی در غرب، از راه ایجاد حس ترس در مردم، آنها را به پذیرش نظریات سیاسی احزاب مورد نظر سوق می‌دهد.
- ۳. با استفاده از حس ترحم در مردم، عده‌ای سودجو، از کودکان خیابانی برای پرکردن جیب‌های خود استفاده می‌کنند.
- ۴. حس خودخواهی باعث می‌شود که گاهی اشتباهات خود و بستگان خود را نبینیم یا به ناحق از آنها حمایت کنیم. خودخواهی و خوددوستی باعث شده است در طول تاریخ، افراد نالایق از طریق تملق و چاپلوسی به مناصب مختلفی نزد شاهان ظالم دست یابند.

تمرین



در موارد زیر ادعایی بدون ذکر دلیل معتبر مطرح شده است. مشخص کنید هر یک از این مطالب تحت تأثیر چه عوامل روانی مطرح شده‌اند:

توضیح پایین صفحه

۱. اگر از درس نمره بگیرم، من خوب درس خوانده‌ام و اگر در درس مردود شوم، معلّم با من مشکل داشته است!
۲. اگر برادر من با پسر همسایه دعوا کرده است، حتماً حق با برادر من است!
۳. جلوی جمع از من تعریف کرد؛ پس آدم خوبی است!

هر سه مورد توسل به احساسات و ناشی از خودخواهی انسان‌ها هستند

* فنون متابعت

در روان‌شناسی اجتماعی به این مطلب می‌پردازند که افراد تحت تأثیر چه عواملی به انجام عملی ترغیب می‌شوند. آنان اصولی همچون اصل دوستی و محبت، یافتن اعتبار اجتماعی، ارتباط با قدرت، کمیابی و ... را بدین منظور ذکر می‌کنند. به عنوان مثال بر اساس اصل کمیابی، انسان‌ها برای اشیا و فرصت‌های کمیاب ارزش بیشتری قائل‌اند. بنابراین در تبلیغات با تعیین مهلتی محدود برای ثبت نام یا تخفیف ویژه یا شرکت در قرعه‌کشی، افراد را به ثبت نام یا خرید کالا ترغیب می‌کنند. با همفکری دوستان خود و مراجعه به کتاب‌های روان‌شناسی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

در مورد اول افراد به دلیل خودخواهی نمی‌خواهند مسئولیت اشتباهات خود را قبول کنند و خطاهای خود را توجیه می‌کنند؛ اما آنچه را به نفع شان باشد، می‌پذیرند - در مورد دوم، خودخواهی انسان‌ها باعث می‌شود که گاه افراد روابط خانوادگی و شخصی خود را بر ۱۱۰ جانبداری از حقیقت ترجیح دهند - در مورد سوم، خودخواهی افراد باعث می‌شود که انسان‌ها احساسات خودشان را ملاک خوبی و بدی دیگران بدانند

- چرا برخی فروشگاه‌ها قیمت‌های خود را مثلاً به جای ۵۰۰ هزار تومان، ۴۹۵ هزار تومان درج می‌کنند؟ آیا از نظر روانی این دو قیمت برای خریداران متفاوت‌اند؟
- چرا ادعاهایی همچون کم شدن وزن بدن بدون تلاش، یا یادگیری لغات انگلیسی در چند دقیقه و مانند آنها مخاطبان را جذب می‌کنند؟

۴- مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی

به نظر شما در (حراج از ۵٪ تا ۵۰٪) چند درصد کالاها با تخفیف ۵ درصدی و چند درصد با تخفیف ۵۰ درصدی به فروش می‌رسند؟ کیفیت کالاها یا تخفیف بیشتری دارند، چگونه است؟

حراج از: ۵٪ تا ۵۰٪ تخفیف

در صفحه نیازمندی‌های روزنامه، برخی از کلمات، بزرگ و کوچک چاپ می‌شوند و سعی می‌کنند مانند تبلیغ زیر با بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی مطالب، بر ذهن افراد تأثیر بگذارند.



افلاطون

۱) (در صورتی که با بزرگ‌نمایی و بدون ذکر دلیل، سعی در تأیید نظری داشته باشیم یا با کوچک‌نمایی و بدون ذکر دلیل، سعی در مخفی کردن حقیقتی داشته باشیم، دچار «مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی» شده‌ایم.

به مثال زیر توجه کنید:

چند بار اتاقم را تمیز کنم؟! نمی‌توانم که

تمام عمر اتاقم را تمیز کنم! ۱

از این روش در کاریکاتور نیز استفاده

می‌شود.

نکته

۱- مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی را تعریف کنید؟ مثال بزنید

* راهبرد مواجهه با مغالطات در زندگی

هدف اصلی منطق جلوگیری از خطاهای ذهن است. باید بدانیم دچار شدن ذهن به خطا همواره با فریبکاری همراه نیست و گاهی از سر جهل و نادانی پدید می‌آید. بنابراین بهتر است هنگامی که با یک مغالطه مواجه می‌شوید، به مخاطب نگوید که «شما مغالطه می‌کنید»! استفاده از لفظ «مغالطه» دارای بار ارزشی منفی است و فضای بحث را از حالت صمیمانه و حق‌طلبانه خارج می‌کند. بنابراین به جای استفاده از اصطلاح مغالطه یا اسامی مغالطات، بهتر است با رعایت ادب، به وی تذکر دهید که چه بخش از سخن وی اشتباه است.

روش دیگر برای نشان دادن مغالطات افراد، استفاده از همان مغالطه علیه فرد است. در داستان درس نخست، شاگرد در دادگاه از این روش جهت نشان دادن مغالطه بودن سخن استاد خود استفاده کرد.

مراقب باشید که تنها به مغالطات دیگران حساس نباشید و مغالطات اندیشه خود را نیز شناسایی کنید و نسبت به اصلاح آنها تلاش کنید. همان‌طور که در درس نخست بیان شد، مهارت در تفکر صحیح، تنها با تمرین و توجه به دست می‌آید. همچنین به یاد داشته باشیم که از آموختن هر علمی و از جمله مغالطات، می‌توان سوءاستفاده کرد. بدین جهت همواره لازم است در کنار تعلیم و تعلم به تزکیه نفس توجه کنیم تا به دزدان با چراغ تبدیل نشویم:

چو علم آموختی از حرص آنکه ترس کاندرشب چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا^۱





۱- در موارد زیر، فرد بدون ذکر دلیل و صرفاً تحت تأثیر عوامل روانی سعی در جلب نظری باطل داشته است. نوع مغالطه مطرح شده را مشخص کنید:

الف) حواست را جمع کن! اگر می خواهی پیشرفت کنی و از مزایای جانبی استفاده کنی، باید به دستورات غیر قانونی مقامات بالا نیز گردن بنهی. **مغالطه ی توسل به احساسات-تطمیع**

ب) هر انسانی به جز افراد خشن و بی ذوق تشخیص می دهد که برای رشد فکری و ذهنی، خواندن مداوم رُمان نیازی ضروری است. **مغالطه مسموم کردن چاه**

ج) من نمی گویم عقیده خود را تغییر دهید؛ اما انتظار می رود با عقل و درایتی که در شما سراغ دارم، ضرورت این کار را تشخیص دهید. **مغالطه تله گذاری**

د) همه مقالات علمی او به اندازه یک کتاب ۳۰۰ صفحه ای هم نیست! در حالی که دوست من پنج کتاب رُمان ۵۰۰ صفحه ای نوشته است. **مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی**

ه) چرا این وسیله گران را خریده ای؟ پاسخ: یعنی می گویی حق ندارم حتی یک سکه هم برای خودم خرج کنم؟! **مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی**

۲- در حادثه اتوبوس ۵ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند که این افراد به صورت سرپایی درمان شدند. اکنون به تیترو روزنامه های صبح توجه کنید و بگوئید هر کدام دچار چه مغالطه ای شده اند.

تیترو اول بزرگ نمایی ➔ (تیترو اول) ۲۵ نفر کشته و زخمی در حادثه دلخراش اتوبوس! چرا مسئولان به فکر نیستند؟! (تیترو دوم) تشکر مردم از مسئولان: با ایمن تر شدن راه ها، در تصادف اتوبوس تنها ۵ نفر به دلیل سهل انگاری در استفاده از کمربند ایمنی جان خود را از دست دادند. **تیترو دوم کوچک نمایی**

۳- به نظر شما آیا عبارت تبلیغی «از ۱۰۰ نفر اول کنکور ۸۰ نفر در آزمون های ما شرکت کرده اند»؛ لزوماً نشان دهنده کیفیت این آزمون ها و رضایتمندی شرکت کنندگان در آن است؟

در این زمینه بحث کنید. **خبر: زیرا بدون ذکر دلایل و مستندات، سعی در اثرگذاری بر احساسات افراد شده است و از مغالطه بزرگ نمایی استفاده شده است**

۴- چه عوامل روانی ای باعث انجام کار در رودرباستی یا پیروی از رسومات نادرست جامعه می شوند؟ با ذکر مثال توضیح دهید. **تاثیرپذیری از اجتماع؛ نیاز به تحسین از طرف اطرافیان؛ مدگرایی، عدم اعتماد به نفس؛ عدم شناخت ارزش ها و غیره**

۵- از میان کلمات و عبارات زیر، سه مورد را مشخص کنید که بار ارزشی آنها به ترتیب مثبت، منفی و خنثی باشد. برای این کار آنها را در جملاتی به کار ببرید. لجوج، مصمم، متعصب، یک دنده، تزلزل ناپذیر، حرف نشنو، میگه مرغ به پا دارد، حرف حرف خودش، کله شق، ثابت قدم، مقید، استوار، پایبند.

۶- اکنون که به پایان این کتاب رسیده اید، به خودآزمایی صفحه ۲ بازگردید و به آنها پاسخ دهید

مثبت: ملی پوشان فوتبال ایران برای صعود به جام جهانی مصمم. ثابت قدم و استوار هستند
منفی: در هیچ زمینه ای نباید یک دنده، لجوج و کله شق باشیم
خنثی: علی هنوز هم در رابطه با دیگران به احترام گذاشتن پایبند است

۱۱۳